

آن مثل درجات حقوق معین میشود هم حد اقل و هم حد اکثر : حد اقل سی تومان و حداکثر سی و پنج تومان حالا ممکنست حقوق يك ثبات را در سال اول سی تومان بنویسند و در سال دوم اجازه دارند سی و پنج تومان بنویسند . این ۵ تومان برای اینستکه بکسی که خدمت کرده بتوانند درجه بالاتر بدهند فلذا اگر مجلس تصویب کند هم حد اقل را معین کرده است و هم اکثر را و از آنروی حد اقل و اکثر تمام درجات معین می شود .

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده عرضی ندارم .

رئیس - آقای جلیل الملک (اجازه)

جلیل الملک - بنده موافقم

رئیس - آقای مساوات . (اجازه)

مساوات - بنده با ماده موافقم ولی می خواستم عرض کنم چون این ماده مربوط ومتکی بماده بیست و سه است و ماده بیست و سوم هنوز نگذشته رأی دادن باین ماده چه صورت دارد ؟
مغیر - خیر این ماده مربوط بماده بیست و سوم نیست .
(پیشنهاد آقای تدین بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته - پیشنهاد می کنم که بعوض عبارت (در حدود تفاوت بین حد اقل و اکثر یک ششم نوشته شود)
(محمد محمد تدین)

معاون وزارت عدلیه - در ماده هفدهم يك ششم نوشته شده است و بیشتر از يك ششم نمی شود زیاد کرد یعنی يك ششم حداکثر است و اگر در حدود تفاوت بین حد اقل و اکثر در اینجا نوشته نشود آن تناقضی که آقای تدین فرموده اند ایجاد می شود زیرا این جا حداکثر را تا يك ششم می نویسد و اگر این پیشنهاد قبول شود فوراً حداکثر را باید همان يك ششم قرار داد و حد وسط شامل آن نمی شود و باید تمام يك ششم را به مستخدم اضافه حقوق داد .

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - آقای مخبر و آقایان اعضاء کمیسیون باندازه عجله دارند که صبر نمی کنند بنده مطالب خود را عرض کنم
آقای مخبر متأسفانه غالب اوقات خارج از موضوع اعتراضات جواب می دهند .

بنده می گویم شما نوشته اید مقرری رتبه اول بموجب قانون بودجه معین خواهد شد . چهارم معین خواهد شد ؟

اگر می گوئید میزان اصل سی تومان است حقوق رتبه بعدش می شود چهل تومان و هکذا بمذاق این ترتیب در کجا حد اقل و اکثر معین می کنید ؟ لابد می گوئید در کمیسیون و مجلس . آخرین چه کاری است که انسان بکند يك دفعه مطابق قانون چیزی را تصویب نماید بعد حد اقل و اکثری برایش معین کند ؟ اما این که آقای معاون وزارت عدلیه راجع بيك ششم فرمودند بنده با اضافه حقوق نسبت بکسی مشمول این ماده بشود مخالف نیستم ولی چون از ماده هفدهم يك ششم معین شده است بنده کلیتاً می گویم يك ششم بدهند ولی با حد اقل و اکثر مخالف هستم و اصلاً منطقی ندارد حالا نمی خواهم قبول کنید نکنید . بنده عقیده خود را عرض کردم .

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای تدین : آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . رای می گیریم بماده بیست و چهارم . آقایان تصویب کنندگان قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . بقیه مذاکرات می ماند برای فردا .
(آقای مستشار السلطنه راپرت شعبه اول راجع بنمایندگی آقای سردار فاخر از آباده بمضمون ذیل قرائت نمودند)
شعبه اول دوسیه انتخابات آباده و توابع را در چند جلسه نعت دقت و مطالعه در آورده اینک راپرت آنرا بمعرض مجلس مقدس میرساند .

در اوایل حوت ۱۳۴۰ بر حسب دعوت حکومت آباده مجلسی از طبقات علماء و اعیان و تجار واصناف برای تعیین انجمن نظارت انتخابات آباده و توابع تشکیل و پس از تعیین اعضاء هفتگانه و انتخاب رئیس انجمن شروع بمصوبات نموده و بعد از اتمام شعب بتوابع حوزه انتخابیه از ۲۶ جمادی - الثانیه در آباده ونقاط تابعه شروع بدادن تعرفه نموده پس از مختصر وقفه که در امر انتخابات آنجا رخ داده بر اثر تاکیه مجلس شورای ملی رفع و انجمن مرکزی آباده شروع بتعقیب وظایف خود کرده از فتره شهر رمضان تا پنج روزمه روز در مسجد جلسات خود را تشکیل و با مراعات حدود نظامات انتخابیه باستخراج آراء پرداخته بالنتیجه آقای قوام السلطنه با اکثریت ۲۶۹۸ رای از ۲۹۵۵ آراء ماخوذه بنمایندگی آباده و توابع منتخب و بوسیله ایالت فارس و وزارت داخله بمعزی

ایه اعلام و چون معزی ایله در همین تاریخ از طرف خراسان نیز سمت نمایندگی مبعوث شده بودند از قبول نمایندگی آباده کتبا معذرت میخواستند و چون بعد از ایشان آقای سردار فاخر بر سایر دارندگان آراء مقدم و حائز اکثریت بودند انجمن نظارت اعتبارنامه بنام ایشان صادر می نماید شعبه پس از مذاقه بدوسیه های مربوط انتخابات مزبور رامطابق مقررات دیده صحت انتخابات آقای سردار فاخر را از طرف اهالی آباده و توابع با اکثریت تصدیق نمود .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - سابقه مجلس اینطور بود که باید از نمایندگی استعفا کرد و در اینجا لفظ معذرت نوشته شده است گمان میکنم معذرت صحیح نیست و در نظامنامه انتخابات هم لفظ استعفا نوشته شده است .
ملک الشعراء مخبر - معذرت هم همان معنی استعفا را می دهد معنیش معلوم است .

رئیس - آقای آقاسید فاضل (اجازه)

آقاسید فاضل - بنده هم خواستم همین بیان آقای ملک الشعراء را قدری واضعتر عرض کنم که معذرت مترادف با همان استعفا می است که حضرت والا فرمودند
رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم
رئیس - رای می گیریم بنمایندگی آقای سردار فاخر از آباده : آقایانیکه تصویب می نمایند قیام فرمایند
(غالب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .

جلسه آتیه فردا دوساعت قبل از غروب دستور : اولاً بقیه مذاکرات در قانون استخدام ، ثانیاً لایحه وزارت عدلیه راجع بتقاضای چهار هزار و سیصد تومان برای پرداخت اضافه مخارج سه ماهه ماضیه عدلیه های ولایات .
معاون وزارت فواید عامه - دو فقره پیشنهاد یکی راجع بامتیاز معدن نمک و کوگرد جزایر قشم و هرمز در خلیج فارس و دیگری راجع بگل سرخ تقدیم مجلس شورای ملی می شود .
رئیس - کمیونتهائی که باید معین شود اولاً کمیسیون فواید عامه و پست و تلگراف و تجارت ده نفر ، ثانیاً کمیسیون قوانین مالیه دوازده نفری آقای داور
(اجازه)
میرزا علی اکبر خان داور - بنده خواستم تقاضا کنم راپرت انتخابات آقای پوررضا جزء دستور جلسه آتیه شود

رئیس - هنوز شعبه راپرت نداده است امین التجار - برای جلسه فردا حاضر شده تقدیم می شود
(مجلس دوساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک
جلسه یکصد و هشت و سوم
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه پانزدهم ربیع الاول
۱۳۴۱ مطابق سیزدهم
عقرب ۱۳۰۱

مجلس تقریباً یکساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .
صورت جلسه یوم قبل را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - در صورت جلسه ابزادی نیست ؟ لایحه ۶۳۶۲ وزارت عدلیه مطرح است (آقای مستشار السلطنه راپورت کمیسیون بودجه را بشرح ذیل قرائت نمودند) کمیسیون بودجه لایحه ۶۳۶۲ عدلیه و ریاست وزراء عظام را راجع بکسر محل مصارف سوخت زمستانی و تهیه و تعمیر اثاثیه و لوازم التحریر و اجاره خانه عدلیه های ولایات تحت مطالعه در آورده پیشنهادی دولت را تصویب می نماید ماده واحده مجلس شورای ملی تصویب می نماید که برای اضافه مصارف سه ماهه ماضیه تقاضای ثلث ۱۳۰ عدلیه ولایات مبلغ چهار هزار و صد تومان اعتبار بوزارت عدلیه داده میشود لغایت اعتبار پنجاه هزار تومان سنه گذشته
رئیس - در این باب مخالفی نیست و آقای مساوات
(اجازه)

آقاسید محمد رضای مساوات - در سال گذشته وزارت عدلیه راجع بینجاه هزار تومان اعتبار صورتی داد که آن اعتبار تمام شده است و دیگر وجهی باقی نیست باین ترتیب بازم از مجلس آن پنجاه هزار تومان وجهی خواسته شده است و این معنی ندارد
نصرت الدوله - مخبر کمیسیون بودجه در موقعی که این راپورت بمجلس تقدیم شد از محل پنجاه هزار تومان اعتبار باقی بوده حالا هم بنده عقیده دارم مجلس همین ترتیب رای بدهد اگر محل تمام شده بود دولت تقاضای اعتبار جدیدی خواهد کرد
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - چون از طرف وزارت عدلیه نه وزیر نه معاون اینجاباستند که ذرا بنیاب دفاع کنند و محل اعتبار را همین

نمانند عقیده بنده این است این لایحه بماند ناموقی که یکی از آقایان تشریف بیاورند آن وقت مطرح شود و چندان فوریت هم ندارد که حتما در این جلسه بگذرد ممکن است بماند برای جلسه بعد که یکی از آقایان با وزیر بامامان وزارت عدلیه تشریف بیاورند آن وقت مطرح شود.

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - در صورتی که هنوز بوجه وزارت عدلیه از مجلس نگذشته است و ما اصل آن را تصویب نکرده ایم حالا بطور می توانیم کسری آن را تصویب کنیم ما هنوز اصل بوجه را نمی دانیم بخیر است بطور می توانیم بدانیم این مبلغ از بوجه سراسر است که آن را تصویب کنیم ما وقتی می توانیم این لایحه را تصویب کنیم که بوجه وزارت عدلیه به مجلس آمده باشد و ما آن را به بینم اگر کسری داشته باشد یا از محل پنجاه هزار تومان یا از غیر آن تصویب خواهم کرد و در صورتی که از اصال بوجه اطلاع نداریم چگونه می توانیم اضافه مصارف بوجه را رای بدیم ؟

مخبر - گمان می کنم این جایک اشتباهی برای آقای دولت آبادی روی داده است معلوم است بوجه سه کشته وزارت عدلیه را مجلس تصویب نکرده است ولی در سه کشته یک بوجهائی معمول بوده و دولت بآن ها عمل می نموده است ولی در موقی که مسئله بوجه به مجلس آمد و در کمیسیون بوجه مذاکره شد کمیسیون بوجه های هده السنه را در نظر گرفت و مشغول تهیه آن ها شد اما اینکه چرا یک مبلغی که از بوجه سال قبل کسر بوده ما تصویب کردیم . اگر آقایان را طر شان باشد مادر این مجلس چندین مرتبه این قبیل لوابح را تصویب کرده ایم مثل اعتباری که برای وزارت پست و تلگراف و غیره خواسته شد و این مسئله هم صحیح و منطقی است و علتش هم این است که اول نخواستیم است بدون اجازه مجلس پولی از صندوق گرفته شود و این اجازه برای پرداخت بوجه است نه برای خرج و مخصوصا این مسئله را باید در نظر گرفت که این مسئله سابقه دارد و بنده هم اشکالی در آن نمی بینم فقط اشکالی که آقای مساوات فرمودند راجع بسعل پنجاه هزار تومان اعتبار اشکال واردی بود و اگر آن محل تمام شده باشد باید از محل دیگر پرداخت شود و ما منظور که عرض کردم موقی که این لایحه به کمیسیون آمد محل پنجاه هزار تومان اعتبار سه ماه قبل هم که بنده تعقیب کردم محل اعتبار تمام شده بود و اینکه تقاضا کردم این لایحه تصویب شود برای این بود که

اگر هم محل پنجاه هزار تومان تمام شده باشد محل دیگری از طرف دولت پیشنهاد خواهد شد

رئیس - آقای سدیدالملک (اجازه)

سدید الملک - بنده هم همان سؤال آقای مساوات را داشتم . دیگر مرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سیدفاضل (اجازه)

آقا سیدفاضل - بنده می خراستم پیشنهاد کنم این مسئله بماند برای بعد ولی حالا که مطرح شد عرض می کنم بنده خیلی تعجب میکنم از فرمایش آقای دولت آبادی که اجازه بخواهم برای دولت از مجلس خواسته و ایشان میفرمایند چون بوجه عدلیه به مجلس نیامده ما نمی توانیم این اجازه را بدیم آقا این اجازه است که دولت از مجلس خواسته است برای پرداخت وجه بنده توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه در کمیسیون راجع باین مطلب دادند خوب در خاطر دارم مخصوصا می فرمودند این وجه متعلق بجاهائی است که عدلیه قانونی دارد مثل مشهد و تبریز و سایر نقاطی که استیفاء و بوجه قانونی داشته بهر حال بنده کاملا باین مسئله موافقم اگر محل پنجاه هزار تومان اعتبار باقی است از آن محل پرداخته شود و اگر آن محل تمام شده باشد البته دولت از محل دیگری اجازه پرداخت آن را خواهد خواست و این مسئله سابقه هم دارد.

رئیس - آقای آقا میرزا سیدحسن (اجازه)

آقا میرزا سیدحسن - آن پنجاه هزار تومان اعتباری را که مجلس برای وزارت عدلیه تصویب کرد بمدای تصویب آن پنجاه هزار تومان این لایحه به مجلس پیشنهاد شد و در آن موقع هنوز بوجه عدلیه در مجلس مطرح نشده بود فقط همان پنجاه هزار تومان اعتبار را مجلس تصویب کرده بود که بمدای تصویب آن هم این لایحه به مجلس آمده و اگر مجلس با خود وزیر است بسوابق شود معلوم خواهد شد

رئیس - بی نظاهای است از طرف شاهزاده محمد هاشم میرزا قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم این موضوع بماند تا نماینده دولت حاضر شده و محل آن را هم توضیح بدهد

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده بیست و پنجم آقایی که تصویب می کنند قیام فرمایند

ماده ۲۶ کسانی که پس از شش سال خدمت در یک مقام استمداد ارتقا به مقام بالاتری دارند حق اضافه مقرر را خواهند داشت و میزان این اضافه از خمس آخرین مقرری مستخدم منسکور تجاوز نکرده و بیش از دو مرتبه داده نخواهد شد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال کنم اینکه در این ماده نوشته شده است اگر مستخدم لیاقت ارتقا رتبه نداشت و تا شش سال ترقی نکرده پس از شش سال یک خمس آخرین حقوقش بر حقوق او اضافه می شود آیا این تشخص لیاقت این شخص با کیست ؟ با خود وزیر است یا هیئتی در اداره برای تشخص لیاقت مستخدمین معین شده اند آنها باید تشخص بدهند خوب است این را بفرمایند کی باید لیاقت مستخدمین را تشخص بدهند و اگر بنظر وزیر باشد بنده مخالفم

مخبر - بدیهی است در هر سال در موق ارتقا رتبه مستخدمین از آنها امتحاناتی می شود نهایت چنانچه در ماده بیست و سوم هم قید شده است با رعایت احتیاج وزارت خانه و طرز خدمت و استمداد مستخدمین خدمت شرط حتمی است این مسائل منظور می شود و پس از امتحان مستخدم سابقه و

استمداد را می بیند بالآخره مطابق شرائط که برای ارتقاء رتبه در نظامنامه اداری نوشته می شود مستخدم را امتحان می کنند اگر لایق بود ارتقا پیدا می کند و اگر لیاقت نداشت در همان رتبه باقی می ماند

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده تصور نمی کنم اگر یک کسی خیال بآورد و عاقله زیادی داشته باشد ولو اینکه طبیعت با فشار آورده باشد و او را فاقد لیاقت کرده باشد که نمی تواند شش سال ارتقا رتبه پیدا کند در این صورت یک خمس آخرین حقوقش بعقوبت او اضافه شود ظلم است در صورتی که در مدت عمرش هم بیش از دو مرتبه باو اضافه حقوق داده نمی شود خوب است یک ربع آخرین حقوقش برای او اضافه حقوق مینماید

مخبر - در ترتیب خدمات اداری عاقله و اعاشه و حاجت و امثال اینها را نمی توان منظور داشت زیرا اگر بنا باشد این مسائل منظور شود هر روز یک اشکالی فراهم میشود مثلاً یک کسی در سه خیال دارد یک کسی ندارد یک نفر غنی است یک نفر فقیر است اینها چیزهائی نیست که بتوان در استخدام منظور داشت و از خارج نسبت بفقر یا بایده سامندی بشود نه این که قانون را برای خاطر آنها ناقص گذاشت

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بنده موافقم

رئیس - آقای جلیل الملک (اجازه)

جلیل الملک - موافقم

رئیس - آقای مساوات چطور ؟

آقا سید محمد رضامساوات - بنده هم موافقم

استعداد را می بیند بالآخره مطابق شرائط که برای ارتقاء رتبه در نظامنامه اداری نوشته می شود مستخدم را امتحان می کنند اگر لایق بود ارتقا پیدا می کند و اگر لیاقت نداشت در همان رتبه باقی می ماند

رئیس - آقای مستشار الملک (اجازه)

مستشار الملک - بنده هم فلسفه ودلیلی نمی بینم اشخاص بی لیاقت که استمداد ارتقا رتبه ندارند اضافه حقوق بآنها داده شود و تصویب این ماده هم ثابت می کند که اشخاص لایق و نالایق با هم تفاوتی ندارند و عقیده بنده این است اشخاصی که لیاقت ارتقا رتبه ندارند اضافه حقوق هم نباید بآنها داده شود

مخبر - عرض می کنم مثلا یک منشی یکسال دوسال سه سال و بالاخره شش سال ترقی نکرد و در همان مقام خودش باقی ماند یک خمس حقوقش بر حقوق او اضافه می شود و اگر شش سال دیگر ترقی نکرد یک خمس دیگر هم باز اضافه می شود و در مدت عمر مستخدم که شاید پنجاه سال در یک رتبه باقی بماند دو خمس حقوق زیاد نیست

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیریم بماده بیست و ششم آقایی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده بیست و ششم قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۶ کسانی که پس از شش سال خدمت در یک مقام استمداد ارتقا به مقام بالاتری دارند حق اضافه مقرر را خواهند داشت و میزان این اضافه از خمس آخرین مقرری مستخدم منسکور تجاوز نکرده و بیش از دو مرتبه داده نخواهد شد

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بنده موافقم

رئیس - آقای جلیل الملک (اجازه)

جلیل الملک - موافقم

رئیس - آقای مساوات چطور ؟

آقا سید محمد رضامساوات - بنده هم موافقم

ارتقا رتبه را می نویسد هر کس آن شرائط را دارا شد ترفیع رتبه پیدا می کند و اگر دارا نشد در همان مقام خودش باقی می ماند حالا اگر اعمال غرض شخصی بشود آن را نمی توان در قانون ذکر کرد

رئیس - آقای مستشار الملک (اجازه)

مستشار الملک - بنده هم فلسفه ودلیلی نمی بینم اشخاص بی لیاقت که استمداد ارتقا رتبه ندارند اضافه حقوق بآنها داده شود و تصویب این ماده هم ثابت می کند که اشخاص لایق و نالایق با هم تفاوتی ندارند و عقیده بنده این است اشخاصی که لیاقت ارتقا رتبه ندارند اضافه حقوق هم نباید بآنها داده شود

مخبر - عرض می کنم مثلا یک منشی یکسال دوسال سه سال و بالاخره شش سال ترقی نکرد و در همان مقام خودش باقی ماند یک خمس حقوقش بر حقوق او اضافه می شود و اگر شش سال دیگر ترقی نکرد یک خمس دیگر هم باز اضافه می شود و در مدت عمر مستخدم که شاید پنجاه سال در یک رتبه باقی بماند دو خمس حقوق زیاد نیست

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیریم بماده بیست و ششم آقایی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده بیست و ششم قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۶ کسانی که پس از شش سال خدمت در یک مقام استمداد ارتقا به مقام بالاتری دارند حق اضافه مقرر را خواهند داشت و میزان این اضافه از خمس آخرین مقرری مستخدم منسکور تجاوز نکرده و بیش از دو مرتبه داده نخواهد شد

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بنده موافقم

رئیس - آقای جلیل الملک (اجازه)

جلیل الملک - موافقم

رئیس - آقای مساوات چطور ؟

آقا سید محمد رضامساوات - بنده هم موافقم

که يك اداره حذف شود این جمله شامل حال اعضاء آنها هم بشود بدنیست ولی با بودن اداره بگفته را بدون جهت خارج کند و بگفته را بطور دلخواه داخل کند باین بهانه که مقتضیات اداری اینطور تقاضا می کرد خوب نیست و بنده عقیده دارم این جمله حذف شود

مخبر - در کمیسیون راجع باین مسئله مذاکرات زیادی شد و بعضی از اعضاء کمیسیون هم همین نظریه را که آقا فرمودند دارا بودند و می گفتند با تصویب این جمله شاید بهانه بدست بعضی ها بیفتد ولی پس از مذاکرات زیاد دیدیم چاره نیست و نمی توان مقتضیات اداری را منظور نداشت لیاقت ارتقا رتبه ندارند اضافه حقوق هم نباید بآنها داده شود

مخبر - عرض می کنم مثلا یک منشی یکسال دوسال سه سال و بالاخره شش سال ترقی نکرد و در همان مقام خودش باقی ماند یک خمس حقوقش بر حقوق او اضافه می شود و اگر شش سال دیگر ترقی نکرد یک خمس دیگر هم باز اضافه می شود و در مدت عمر مستخدم که شاید پنجاه سال در یک رتبه باقی بماند دو خمس حقوق زیاد نیست

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیریم بماده بیست و ششم آقایی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده بیست و ششم قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۶ کسانی که پس از شش سال خدمت در یک مقام استمداد ارتقا به مقام بالاتری دارند حق اضافه مقرر را خواهند داشت و میزان این اضافه از خمس آخرین مقرری مستخدم منسکور تجاوز نکرده و بیش از دو مرتبه داده نخواهد شد

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بنده موافقم

رئیس - آقای جلیل الملک (اجازه)

جلیل الملک - موافقم

رئیس - آقای مساوات چطور ؟

آقا سید محمد رضامساوات - بنده هم موافقم

حتمی ارتقا رتبه این است که با داشتن لیاقت در هر یک از مراتب اول و دوم و سوم و چهارم مذکور در ماده ۱۵ لاقبل دوسال در هر یک از سایر مراتب لاقبل سه سال خدمت کرده باشد و در آخر ماده بیست و هفتم می نویسد اوقات انتظار خدمت در جز مدت تصدی و در موق ترفیع و تقاعد منظور خواهد شد

بنده از آقای مخبر سؤال می کنم اگر بنا به مقتضیات اداری مثلا منشی اولی از کار منقول شد و سه سال هم منتظر خدمت شد بمدای سه سال هم که برای آن شخص کار پیدا شد یعنی مقتضیات اداری اجازه داد که آن شخص سر کار برود مطابق این ماده باید یکدرجه ارتقا رتبه بآن شخص داده شود پس این ماده نسبت می شود

که این شخص منشی اول بدون طی مقام مدیر شمه یک مرتبه مدیر دائرة بشود در صورتی که در ماده بیست و سوم نوشته شده است

بدون طی مرتبه مادون بر مرتبه مافوق نمی توان ارتقا یافت باین حال تکلیف این مستخدم چیست ؟

مخبر - اولاً خیلی بدترت اتفاق می افتد که مستخدمی سه سال منتظر خدمت بماند

بعلاوه مستخدم چه در کار باشد چه نباشد او مستخدم است فرق نمی کند شرایط استخدام فقط چیز نویسی نیست مثلا شما یک نوکر شخصی دارید فرق نمی کند او باید برای شما کار بکند حالا چه او را بازار بفرستید برای شما خرید بکند چه بگوئید در منزل بماند و هم کار نکند فرق نمی کند

تا مدتی که تقصیر نکرده مستخدم شما است مستخدم اداره هم همین حال را دارد چه با بگویند در اداره به نشین و چیز بنویس چه بگویند بیکار باش و برو در منزل بنشین و چه در هر دو حال مستخدم است و پس از سه سال هم که داخل خدمت شد باید ارتقا رتبه پیدا کند منتهی چون در منزل بنشیند مغارش کمتر است باین واسطه حقوق کمتر منظور شده است

رئیس - آقای عاقل السلطنه (اجازه)

عاقل السلطنه - بنده با همه جای این ماده مخالفم زیرا این جا می نویسد مستخدمینی که بواسطه حذف مشاغل یا بنا به مقتضیات اداری بدون تقصیر بیکار شوند منتظر خدمت محسوب و تا زمانی که مجددا تصدی خفلی نشده اند از مرتبه اول تا مرتبه پنجم دو ثلث واز مرتبه ششم بیلا نصف اول تا مرتبه آخرین مقرری خود را دریافت خواهند کرد آقای مخبر هم می فرمایند چون زحمت و

مغارج او کمتر است این اندازه حقوق برای آنها عیبی ندارد در صورتی که آن بیچاره مستخدمی که بنا به مقتضیات اداری یا ترتیبات دیگر از کار منقول شده است هیچ مایل نبوده است که منقول شود و خیلی هم میل داشته است سر کارش باقی ماند و حقوقش را تمام دریافت نماید حالا چه کند ؟ یا مقتضیات اداری یا اغراض شخصی آن بیچاره را مجبور بیکاره گیری کرده است باین حال چه صورت دارد ثبات بدبخت را از کار منقول کرده اند و ثلث حقوقش را بدهند و یک ثلثی را بدهند در صورتی که برای دولت هم چندان فرقی ندارد زیرا در ماده بیست و هشتم می نویسد - حداکثر منتظرین خدمت وزارت خانه از صدی هده کلبه مستخدمین آن نباید تجاوز کنند) و با این حال این چیز فوق العاده نیست و بنده عقیده ام این است برای دلگرمی مستخدمین حقوق آن ها هم که منتظر خدمت می شوند تمام پرداخت شود

بیچاره بیانی که با ما می سی تومان امرار معاش می کند اگر بنا به مقتضیات وقت یا ترتیبات دیگری او را از کار منقول کرده باشند و دوسال یا ۳ سال هم در حال منتظر خدمت باقی بماند و یک ثلث حقوق او را بدهند در صورتی که مثلا با ما می سی تومان حاشه می کرده است حالا دوسال با ما می سیست تومان بخواهد امرار معاش کند البته امور معاش او مختل میماند باین جهت بنده عقیده دارم و پیشنهاد هم کرده ام که حقوق آنها تمام پرداخته شود

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - در این ماده دو سه قسم اظهار مخالفت شد یکی راجع به مقتضیات اداری بود که آقای مخبر هم در جواب اظهارانی نمودند البته در وضع قانون باید همه طرف را ملاحظه کرد همین طور که یک طرف را آقایان ملاحظه می فرمایند که شاید اغراض شخصی باعث شود مستخدمی را از کار خارج کنند - باید طرف دیگری را هم ملاحظه کرد یعنی دست دولت را باز گذارد سکه حقیقتاً اگر مقتضیات اداری ایجاب کرد بتواند مستخدمی را منقول کند - بعلاوه ما در قانون گذاری نباید جنبه سوهمن رادر نظر بگیریم بلکه باید جنبه رادر نظر گرفت که قانون بهتر به وقوع عمل گذارده شود و در حقیقت یکوقت است که مقتضیات اداری الزام می کند فلان شخص از کار منقول شود ما نباید دست دولت را بستیم اما قسمتی را که آقای اقبال السلطان فرمودند که ممکن است مستخدمی ۳ سال منتظر خدمت بماند و در حالی که یک مقام را طی نکرده بر تبه بالا تری ارتقا یابد البته

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

بنده هم می گویم مستخدمی که در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود و در هر دو مقام منقول می شود

تصدیق خواهند نمود مستخدمی که بواسطه مقتضیات وقت از کار منصرف می شود او حاضر برای خدمت بوده است منتهی ملی پیش می آید که مقتضی شده است از کار کناره گیری کند در این صورت بدیهی است مدتی را که آن شخص منتظر خدمت بوده است باید جزو خدمت او محسوب داشت و آن مدت در حقوق تقاعدات رتبه آن شخص منظور می شود. اما راجع بر مابقی که آقای عباد السلطنه فرمودند که در مدت منتظر خدمت بودن تمام حقوق باو داده شود البته این نکته را باید در نظر بگیرند مستخدمی که سر خدمت است مغایرش بیشتر است از مستخدمی که در خدمت نیست بنا بر این کمیسیون یک تفاوت جزئی بین حقوق آنها منظور داشت اگر چه در مالک خارجه در خیالی تقاطع منتظرین خدمت نصف حقوق موقوم را که در سر خدمت بوده است می دهند. ولی در کمیسیون پس از مذاکرات زیاد قرار شد چون مستخدمین درجه اول دوم و سوم و چهارم حقوقشان کم است دولت حقوق شان و از آن بیلاکه نسبتاً حقوقشان بیشتر است در موقومی که منتظر خدمت هستند نصف آخرین حقوقی که در سر خدمت بوده اند با آنها پرداخته شود که بتوانند امرار معاش نمایند و لازم بود تفاوت منظور شود بین کسی که صبح تا غروب خدمت می کند و کسی که در منزل می نشیند و هیچ کار نمی کند

رئیس - آقای جلیل الملک (اجازه)

جلیل الملک - عرض بشده گفته شد

رئیس - آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله - بنده هم عرضی ندارم.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است) رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (سه فقره پیشنهاد بمضامین ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم مستخدمینی که بدون تصدیق بیکار می شوند حقوقشان تمام پرداخته شود

عماد السلطنه طباطبائی بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۲۷ قانون استخدام قید شود که اختیار ترتیب حذف مشاغل و غیره ادارات هیئت شوروی یا خود هیئتهای شوروی خواهد بود

کیشرو بنده پیشنهاد می کنم منتظرین خدمت در ماده ۲۷ اجازه داده شود تا موقومی که از طرف دولت کاری برای آنها تهیه نشده است حق داشته باشند با وجود حقوق انتظار خدمت شغل دیگری داشته باشند

اقبال السلطنه

رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - بنده عرض می - کنم آقایان اعضاء کمیسیون استخدام گویا تصمیم گرفته اند هیچ پیشنهادی را نپذیرند و این که تا اندازه هم پیشنهاد منطقی باشد پیشنهادی که بنده تقدیم کرده بودم اگر آقایان قدری در ادوالت بفرمایند چیزی است که واقعا اسباب تشویق خدمت گذاران صحیح - العمل است زیرا یک نفر مستخدم صحیح - العملی که از ابتدای استخدامش با کمال صحت و راستی کار کرده است و یک دفعه بنا بمقتضیات وقت که در این قانون نوشته شده از کار خارج می شود هیچ دلیل ندارد که یک نلک حقوق او را باو ندهند و این که آقای سهام السلطان فرمودند در سایر نقاط بعضی جاها نصف حقوق منتظرین خدمت می دهند بنده تصور می کنم چنین چیزی در هیچ کجا معمول نباشد فرضا هم معمول باشد اوضاع سایر جاها با وضعیت ما خیلی فرق دارد

مخبر - آقای عماد السلطنه می فرمایند

اعضاء کمیسیون تصمیم گرفته اند هیچ پیشنهادی را قبول نکنند اگر بنا باشد پیشنهادات را قبول کنیم هر ماده هفتاد ماده می شود آن وقت آنوقت این قانون هفتاد قابل این قانون می شود ما نمی توانیم قبول کنیم اما این که می فرمایند چرا اعضائی که بنا بمقتضیات اداری از کار خارج شده اند از حقوق آنها کسری کنند اولاً همیشه باید در اداره صد پنج اعضاء منتظر خدمت باشند که اگر اجاباً یکی مرد یا یکی مرخصی گرفت یا بنا بمقتضیات وقت از کار خارج شد بتوانند عوض آنها را فوراً از آن اعضاء منتظر خدمت انتخاب کنند و حق کسی که از کار خارج شده در منزلش نشسته و بعضی مخارج فوق العاده ندارد مساوی فرض کرده علاوه شخصی که از کار خارج شده است می تواند در منزلش کارهای دیگری هم بکند که از آن راه هم استفاده کرده باشد و در حقیقت دور از انصاف است بیش از این اندازه که در قانون ذکر شده برای آنها حقوق منظور داشت و باید خزانه دولت را هم رعایت نمود

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای عماد السلطنه آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - در ماده بیست و هفتم يك اظهاراتی شد ولی جواب مقتضی داده نشد بالاخره در مقابل اعتراض آقای

عماد السلطنه آقای مخبر فرمودند باید رعایت خزانه دولت را هم کرد و نباید بیش از آن چه در قانون معین شده منتظرین خدمت حقوق داد بنده عقیده ام این است که به اشخاص منتظر خدمت که بنا بمقتضیات اداری از کار خارج شده اند اجازه داده شود تا مدتی که سر کار نیامده اند حق داشته باشند کار دیگری برای خودشان فکر کنند و اگر ثباتی یا منشی گری در تجارت خانه یا نزد یکی از اهلیان پیدا شد بتوانند آنجا بروند زیرا این قانون آنها را از قبول شغل دیگری منع کرده است و باین جهت بنده پیشنهاد کردم که مستخدمین در مدت انقصال حق داشته باشند بدون اینکه در ادارات دولتی داخل شوند کار دیگری در خارج بکنند که کمکی برای معیشت آنها بشود. حالا بنده بنظر آقایان نمایندگان است که رد یا قبول نمایند

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - آقای عماد السلطنه

فرمودند پیشنهاد هائی که میشود کمیسیون اصرار دارد رد کند در صورتی که این طور نیست اولاً تمام مطالب که در این جا اظهار می شود در تمام آنها کمیسیون دقت کرده و اطراف آنها را هم کاملاً ملاحظه نموده و با در نظر گرفتن جمیع جهات این قانون را به مجلس پیشنهاد کرده است و البته چیزی را که کمیسیون تمام اطرافش را ملاحظه کرده و عقیده اش را هم به مجلس پیشنهاد کرده مجبور است از عقیده خود دفاع کند و البته اگر يك مطلبی را کمیسیون ملتفت نشده باشد و در مجلس پیشنهاد شود حتماً قبول خواهد کرد ولی مطالبی که کاملاً در آن دقت شده کمیسیون مجبور است از آن دفاع کند و البته آقایان مخالفین نباید دلالت بدهند از اینکه کمیسیون از نظریه خود دفاع می کند حق کمیسیون این است که از نظریه خودش دفاع کند. آقایان هم عقیده خود را اظهار فرمایند و دلایل آن را هم بفرمایند اعتراض بکمیسیون مورد ندارد. اما این موضوعی را که آقای اقبال السلطان فرمودند بنده خیلی تعجب می کنم از یک طرف می فرمایند شخصی که از کار منصرف می شود مستخدم اداره است و باید حقوق هم بگیرد بعد می فرمایند برود جای دیگر هم مستخدم بشود. اگر دولت خواست امروز همان مأمور را که از کار منصرف کرده بنقله مأمور کند در صورتی که آن شخص در جای دیگر مستخدم باشد چه طور می تواند بنقله که از طرف دولت مأمور است برود. بلی اگر در غیر جاهات اداری کار دیگری پیدا کرد ممکن است آن کار را انجام بدهد ولی در ساعات اداری ممکن نیست.

مستخدم اداره که بنا بمقتضیات وقت یا چیزهای دیگر از کار خارج شد و حقوق هم می

بگیرد مستخدم اداره است و باید حقوق هم بگیرد بعد می فرمایند برود جای دیگر هم مستخدم بشود. اگر دولت خواست امروز همان مأمور را که از کار منصرف کرده بنقله مأمور کند در صورتی که آن شخص در جای دیگر مستخدم باشد چه طور می تواند بنقله که از طرف دولت مأمور است برود. بلی اگر در غیر جاهات اداری کار دیگری پیدا کرد ممکن است آن کار را انجام بدهد ولی در ساعات اداری ممکن نیست.

بنده پیشنهاد می کنم که مستخدمینی که بدون تصدیق و خیانت بی کار و منتظر خدمت میشوند

گیرد در خارج شغل دیگری هم برای خود تهیه نماید

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای اقبال السلطان آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. آقای ارباب کیشرو (اجازه)

ارباب کیشرو - بنده خیلی متأسفم که بواسطه کسالت نمی توانم زیاد حرف بزنم. این قسمتی را که بنده پیشنهاد کرده ام حقیقتاً راجع به اعضاء مجلس است.

در ماده هفتاد و يك قانون استخدام می نویسند این قانون شامل حال تمام اعضاء ادارات دولتی و هیئت های شوروی هم می شود. در دوره های سابق هم دیده ایم که مجلس تعطیل می شد يك روز گاهی برای مستخدمین مجلس بیدار میشد در صورتی که همه آقایان کاملاً از زحمات شبانه روزی مستخدمین مجلس مسبوقند و به رأی این

مشاهده می نمایند. چون در قانون حذف مشاغل را بمقتضیات اداری متذکر شده عرض می کنم بدخترانه وقتی مجلس تعطیل می شود دیگر معلوم نیست صاحب این جا کی خواهد بود هر کس را می خواهند حذف کنند و هر کس را می خواهند بانی بگذارند این است که بنده پیشنهاد کرده ام اگر آقایان موافقت فرمایند باین ماده مزید بشود که حذف فقط به تصویب هیئت شوروی است و دیگری نمیتواند در این

موضوع دخالت کند

مخبر - این نظریه صحیح است ولی در آن موقع ملتفت نبودیم در ماده بعد با همین ماده این کلمه را قید می کنیم. پیشنهادات آقایان آقا سید یعقوب محمد ولی میرزا نظام الدوله اقبال السلطان رفت - بضمون ذیل قرائت نمودند

مقام محترم ریاست می خواهم استدعا کنم که پیشنهاد کنندگان رعایت ماده شصت و سه نظامنامه داخلی را بفرمایند

مقام محترم ریاست بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۲۷ کلمه به مقتضیات حذف شود.

مقام محترم ریاست بنده پیشنهاد می کنم بمقتضیات از این ماده برداشته شود.

نظام الدوله پیشنهاد می کنم ماده ۲۷ نوشته شود مستخدمینی که بواسطه حذف مشاغل بدون تصدیق بی کار نمی شوند الی آخر اقبال السلطان

بنده پیشنهاد می کنم که مستخدمینی که بدون تصدیق و خیانت بی کار و منتظر خدمت میشوند

می شوند تا درجه پنجم تمام حقوق او باو داده شود و از ششم بالا مطابق قرارداد کمیسیون استخدام نصف بگیرند

رفعت الدوله

مقام محترم ریاست مجلس شورایی شیدالله ارکانه بنده پیشنهاد می کنم که تبصره ذیل بماده ۲۷ علاوه شود

تبصره - اگر بنا بمقتضیات اداری یکی از دوائر وزارتخانهها و ادارات منحل شد اعضاء آن از صد پنج منتظرین خدمت مستثنی می باشند.

سید الملک

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - دلائلی که بنده را باین پیشنهاد وادار کرد تمام را مفصلاً آقای اقبال السلطان بیان کردند بنده این کلمه مقتضیات را با تمام اولیه که آقای مخبر بیان فرمودند زائد می دانم و این حرفه خطرناکی است که در آتیه اسباب

زحمت اعضاء ادارات را فراهم خواهد کرد. و در صورتی که مطابق این مواد به این سختی اعضاء وارد ادارات می شوند و شرایط ورودی تماماً با کمال دقت در این جا ذکر شده است دیگر دلیل ندارد که يك نفر رئیس اداره با هم مقتضیات مدتی شغل عاقل و باطل بگذارد از این جهت بنده مخالفم.

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه)

نظام الدوله - يك قسمت از ادله بنده را غمازه محمد ولی میرزا فرمودند ولی چون می بینم تمام بدبختی ها را هیچ چیز ایجاد نکرد جز کلمه مقتضیات و اندازه این لفظ مقتضیات بنظر بنده در جامعه خطرناک است که بنده از این کلمه

پرهیز می کنم و بیش از این نمی توانم استدلالی برای این مطلب بکنم زیرا با لفظ مقتضیات ممکن است يك مأمور را بکلی از موضوع زندگانی خودش بی بهره کنند.

مخبر - این مسائلی را که آقایان می فرمایند همه اینها در کمیسیون مذاکره شد و آقایان اعضاء کمیسیون هم مسبوقند و حقیقتاً هم کار مشکلی است ولی بکلی نمی شود دست دولت را بست و خیلی مقتضیات پیدا می شود که چاره نیست جز اینکه يك مأمور را تغییر بدهند و عوض کنند. اینکه عرض کردم عوض کنند یا

تغییر بدهند برای این است که لامحاله در هر وزارتخانه همیشه صدی پنج منتظر خدمت است و اگر یکی را تغییر دادند دیگری را که منتظر خدمت است بجای آن می فرستند. مگر اینکه بگویند منتظر خدمت هیچ نباشد و این هم معقول نیست صد پنج

رخصت داده شده و باید هم باشد بجهت اینکه یکی مسافرت می کند یکی مریض می شود دیگری استعفا می دهد اگر یکی نباید آن منتظر خدمت بجای او باید بیاید و مشغول کار شود. پس منتظر خدمت لازم است که اگر یکی فرضاً مریض یا طور دیگر شود فوراً یکی باشد که بجای او گذارده شود ماهم در کمیسیون راجع باین کلمه مقتضیات خیلی مذاکره کردیم شاید این لفظ وسیله و بهانه بدست رؤسای ادارات و وزراء بدهد که هر روز بگویند مقتضیات وقت اجازه داد فلان کس را بیرون کنم و از طرف دیگر هم بکلی نمی شود دست دولت را بست حالا اگر آقایان کلمه دیگری می توانند پیدا کنند که بجای مقتضیات گذارده شود که هم دست دولت بسته نشود و هم رفع محظور شود بفرمایند. ما که نتوانستیم همچو کلمه پیدا کنیم

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقایان محمد ولی میرزا نظام الدوله اقبال السلطان رفت - بضمون ذیل قرائت نمودند

از کار بیکار خواهد نمود. شما راضی نشوید این عبارت کشنده را میان این ماده بگذاریم که در نتیجه اسباب زحمت برای مأمورین دولت ایجاد کند. در خصوص منتظرین خدمت که فرمودند مقتضیات وقت اقتضا می کند صد پنج منتظر خدمت باشد تا اینکه دست دولت بسته نباشد بنده عرض می کنم اگر مقتضیات وقت اجازه داد که منتظرین خدمت صد بیست شوند آنوقت باز هم دست دولت باز است

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - بله آقایان حق دارند از لفظ مقتضیات بترسند برای اینکه تصور می کنند هیئت دولت هیئت دزد و مقلب و حقه باز مرضی هستند و در حق مأمورین اعمال غرض خواهند کرد آنوقت تکلیفی سکه وظیفه وزراء است می خواهند بگردن قانون بیانازند هیئت دولتی که اینطور اعمال غرض می کند باید آقایان جلو اعمال غرض را بگیرند نه اینکه قانون را تغییر بدهند قانون می گویند اگر مقتضیات ایجاد کرد مستخدمی از کار خارج شود باید او را از کار خارج کرد و فلان مقدار باو حقوق داد نه اینکه مستخدم را دولت منفصل و جیس و نجزش کند و بگوید نباید باشی نه اینطور نیست که دولت بتواند اعمال غرضی کند.

اگر اینطور است هیچ قانونی نگذارید برای اینکه قانون هما بالا تر از قانون آسمانی که نیست وقتی که بدست مقرر افتاد دیدید با آن چه کرد

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای اقبال السلطان آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - این بیاناتی که آقای مخبر و اعضاء کمیسیون استخدام کردند هیچ جاو احتیاج ثبات و منعی دوم منشی سوم را نمیگیرد

ملاحظه بفرمایید وقتی که مستخدم بیچاره را از کار انداختند آن بدبخت ده سر میال دارد میگوید دردمت بیکاری سه سر میال نگاهدار و باقی را رها کن و گرسنه بمانند این مطابق کدام قانون است حالا از درجه پنج بالا قوه دارند

مثلاً حقوقشان صد و پنجاه دو بیست تومان است و نصفش باز خیلی میشود ولی از سی تومان تا پنجاه تومان وقتی منتظر خدمت شوند بدیهی است کمتر حقوق خواهند داشت و بنده عقیده ام این است که بایستی رعایت حال ضعیفا هم بشود

باینکه می دانم اکثریت مجلس این

پیشنهاد را رد خواهد کرد ولی... جمعی از نمایندگان - صحیح است

رفعت الدوله - بسیار خوب من عقیده خودم را اظهار کردم و معتقد ضعیفا را باید رعایت نمود و بیکر خودتان میدانید

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای رفعت الدوله آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. آقای سید الملک (اجازه)

سید الملک - بنده که این تبصره را پیشنهاد کردم برای این بود چون حد اکثر منتظرین خدمت در هر وزارت خانه از صدی پنج تجاوز نخواهد کرد اگر آمدند بمقتضیات وقت یکی از دوائر وزارتخانهها را منحل کردند آنهم منتظرین خدمت از میان بروند این بود که بصورت تبصره پیشنهاد کردم وقتی که آن اداره منحل شد عده مستخدمینش از منتظر خدمت ثابت باشند نه اینکه طوری باشد که از میان بروند والا پنج نفر که منتظر خدمت دارد و از دائره منحل شده هم بیست نفر بیکار مانده اند حالا پنج نفرش را نگاهدارند و یا نوزده نفر دیگر بیکار بمانند داد و فریادشان بیرون می آید و طبعا اسباب زحمت خواهد بود.

رئیس - رأی می گیریم به قابل توجه بودن

سید الملک - مقرر فرمایند مجدداً قرائت شود

(بضمون سابق قرائت شد) مخبر - این مربوط باین ماده نیست اگر باید پیشنهاد شود در ماده دیگر باید پیشنهاد شود

مساوات - در ماده هفتاد و چهار رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

عده قلیلی قیام نمودند

رئیس - در صد پیشنهاد آقای سردار فاخر قرائت می شود

(بضمون ذیل قرائت شد) نظر باینکه در تبصره پانزدهم فصل دوم حکام از این قانون مستثنی نشده اند بنده پیشنهاد می کنم که در ماده ۲۷ ذکر شود که این ماده شامل حکام نخواهد بود.

رئیس - آقای سردار فاخر (اجازه)

سردار فاخر - در تبصره ماده ۱۰ قید شده است که حکام جزو این قانون هستند یعنی جزو این مراتب خدمت هستند حالا اگر بنا باشد منتظرین خدمت نصف حقوق خود را مطالبه کنند دولت باید مبلغ هنگفتی بحکام بدهد خوب است لا اقل

ذکر شود تا وقتی که ترتیب صحیحی پیدا نکرده مستثنی باشند از این ماده ۲۷ و در موقع بیکاری حقوقی با آنها داده نشود

مخبر - این قانون برای بعد از حمل و بعد از اسب و آقا نظر بحال حاضر دارند و برای حال چند ماده نوشته شده هر کس نظریاتی دارد راجع به مستخدمین در آن مواد مذاکره کند و برای بدهم حاکم پارتیس مالیه و هدلیه هم فرق ندارد

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای سردار فخر آقایی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (هده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - رای می گیریم بماده ۲۷ به ضمیمه پیشنهاد آقای ارباب کبکسرو که آقای مخبر هم قبول کردند

مخبر - بلی آنچه راجع به مستخدمین مجلس بود قبول کردم

رئیس - رای می گیریم بماده بیست و هفتم باین ضمیمه آقایی که تصویب می نمایند قیام فرمایند (قریب با اتفاق قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده بیست و هشتم قرائت می شود (بشرح آتی تقریر شد)

ماده ۲۸ را اکثر منتظرین خدمت هر وزارت خانه از صدی پنج هده کلیه مستخدمین آن نباید تجاوز نماید

رئیس - آقای جلیل الملك (اجازه)

جلیل الملك - موافقم

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - ماده ۲۸ که هده منتظرین خدمت هر وزارت خانه را معین کرده اولاً معلوم نیست نظر کمیسیون در کدام منتظر خدمت است ؟ منتظر خدمت اطلاق می شود بر اعضائی که بطور استاز اداره می آیند و آنها کار می آموزند تا در موقع ضرورت و احتیاج آنها را بکار بیندازند داخل خدمت کنند ولی این مسئله فقط در ایران مصطلح است که برای هر کسی که شغل احواف می شود و یا طور دیگر می شود باید منتظر باشد که کار دیگری برای او تهیه شود و در هیچ جای دنیا معمول نیست فقط منتظر خدمت اشخاصی هستند که تازه داخل در یک اداره شده و قبول کار می کنند و برای این است که اگر بوجود آنها احتیاج پیدا کردند آنها را بکار وادارند - حالا مقصود از منتظرین خدمت معلوم نیست که استاز هستند یا اشخاصی که بواسطه حذف مشاغل نظر به مقتضیات اداری از کار منصرف شده اند یا بالاخره در وقت مستند اگر مقصود هر دو است میزان صدی پنج نمی دانم از چه رویه است - وقتی بنا باشد

منتظر خدمت در میزان صدی پنج باشد همانطور که آقای سید الملک اعتراض و تبصره پیشنهاد کردند شاید یک وقت منصرف شد چند مدت صد شش باشد آنوقت چکار خواهند کرد ؟ اشخاصی را که بواسطه حذف مشاغل از کار خارج کرده اند یک قسمت حقوق می دهند و یک قسمت دیگر را ول کرده می گویند عقب کار خودتان بروید ؟ بنده نمی فهمم عقیده ام این است که در این ماده ۲۸ منتظرین خدمت باید معلوم شوند و این کلمه تفسیر شود که آیا مقصود استاز ها است یا اشخاصی که نظر به مقتضیات اداره و غیره از کار منصرف شده اند ؟

مخبر - در یکی از مواد قبل معین شده مقصود از استاز عضو مبتدی است که مدت یکسال بدون حقوق باید خدمت کند و آن مدت جزو منتظرین خدمت نیست ولی در مورد منتظر خدمت در ماده ۲۷ صریح است و می نویسد مستخدمینی که بواسطه حذف مشاغل یا بنا به مقتضیات اداری بدون تقصیر بیکار شوند منتظر خدمت محسوب می شوند و در آنجا تصریح دارد که منتظرین خدمت اشخاصی هستند که سابقاً در کار بوده اند و حالا بیکار شده اند و مکرر عرض کرده ام نمی توان مستخدمین یک وزارت خانه را طوری گرفت که مثلاً اگر صد نفر هستند همه مشغول خدمت باشند و یک نفر اضافه نباشد این مسئله نمی شود برای اینکه در محاکمه باید چهار پنج نفری دیگر وزارت خانه صد نفر مستخدم دارد منتظر خدمت باشد برای اینکه اتفاقات می افتد مثلاً یکی می رود دیگری مریض می شود یکی خارج میشود در عوض آنها همان منتظرین خدمت فوراً داخل در کار می شوند و آنها هم که داخل در کار بوده و حالا منتظر خدمت هستند بروید در وزارت خانه را ببینید چقدر زیاد هستند بملاوه قانون برای آتی است و اگر بنا باشد وزارت خانه ها حق داشته باشند هر قدر بخواهند منتظر خدمت داشته باشند ممکن است همیشه پنجاه درصد منتظر خدمت باشند و این اسباب زحمت است بنابراین باید محدود باشد والا اسباب اشکال خواهد بود حالا اگر آقاییان می فرمایند صد پنج کم است زیاد کنند می گویند زیاد است کم کنند بعقیده کمیسیون صد پنج نه زیاد و نه کم است اگر لازم شد یکی را می آورند داخل کار می کنند و در خصوص مستخدمین فعلی هم عرض کردم که باید مواد آخر را ملاحظه فرمایند و برای آنها باید در مواد مخصوص چاره کرد

(پیشنهاد آقای سید یعقوب به ضمیمه ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که صدی پنج فعلاً از اشخاصی هستند که بواسطه حذف مشاغل یا به مقتضیات اداری منصرف شوند (پیشنهاد سید الملک و نصرت الدوله

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - برای این که از بیانات آقاییان و جواب آقای مخبر معلوم شد که مقصود از منتظرین خدمت آنهاست هستند که بواسطه مقتضیات وقت از کار منصرف شده اند باین جهت دیگر کمان نمی کنم پیشنهاد بنده محتاج باشد بنده پیشنهاد خود را پس می گیرم

رئیس - پیشنهاد آقایان نصرت الدوله و سید الملک قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم در آخر ماده ۲۸ علاوه شود (مگر در مواردی که بوجوب ماده ۲۷ بواسطه حذف شغل یا به مقتضیات اداری هده از مستخدمین بی کار و منتظر خدمت شوند) **سید الملک** - بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۲۸ باین ترتیب تکمیل شود اگر بر این ماده ۲۷ در یکی از وزارتخانه بنا بر مقتضیات اداره یا دائره یا شعبه حذف شد مستخدمینی که بواسطه این علت بیکار شوند جزء منتظرین خدمت محسوب خواهند بود و لو اینکه باین واسطه هده منتظرین خدمت از صدی پنج تجاوز نماید

(جمعی اظهار نمودند در موضوع حذف مشاغل بود رد شد)

نصرت الدوله - اجازه میفرمائید توضیح عرض کنم

رئیس - بفرمائید

نصرت الدوله - بنده مقصودم این است که ما هم این شکایت را ملاحظه کردیم که آن پیشنهاد راجع به حذف شغل بود و بنده هم تصدیق می کنم که اگر یک شغلی حذف شود شاید لازم نباشد یک استثنائی را در نظر بگیریم ولی ممکن است مقتضیات اداری یا مقتضیات وقت موجب شود که اگر مقید کنیم هده منتظرین خدمت از صدی پنج اضافه نباشد حتماً خلاف نظر کمیسیون استخدام خواهد بود برای اینکه این چیزی را که کمیسیون در نظر گرفته است برای آن هده است که همیشه باید حاضر برای بنا به مقتضیات اداری بیکار شده اند یک همچو پیش بینی نکنیم ممکن است یک ماه دومه یک اداره حذف شود و بعد یک اداره دیگری که قائم مقام او است مقرر شود در آن صورت وقتی که آن اداره درست شد اشخاص دیگری را خواهند آورد برای این که آنها جزء منتظرین خدمت محسوب نشده اند

رئیس - پیشنهاد خوانده می شود تا معلوم شود مطابق آن پیشنهادی است که رای گرفتیم رد شد یا نه ؟

(پیشنهاد سید الملک و نصرت الدوله

مجدداً بمضمون سابق قرائت شد)

رئیس - معلوم می شود مطابق همان پیشنهادی است که رد شد

رای می گیریم بماده بیست و هشتم

حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهاد می دارم

(پیشنهاد ایشان به مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم بماده ۲۸ اضافه شود منتظرین خدمت را کمیسیون که نظامنامه معین می کند تعیین خواهد نمود

رئیس - پیشنهادی که اصلاح آقای حاج شیخ اسدالله را قابل توجه میدانند قیام فرمایند - هده قلبی قیام نمودند

رئیس - ردهد پیشنهاد آقای داور قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

حدا کثر منتظرین خدمت هر وزارت خانه از صدی پنج هده کلیه مستخدمین آن نباید تجاوز نماید مگر اینکه هده به علت و انحلال بعضی ادارات یا مقتضیات وقت که در قانون نوشته شده است یک هده زیادی از یک اداره بیکار شوند آنوقت مطابق این قانون اداره می تواند صدی پنج از آن اشخاص را باسم منتظر خدمت نگاه دارد و باقی آنها را نه حقوق بدهد و نه منتظر خدمت محسوب دارد حالا اگر یک اداره منحل شد و مستخدمین این اداره صد ده یا صد پانزده بیکار شدند آن وقت این صد پنج که اداره می خواهد قبول کند باید بپه ترتیب آن ها را قبول کند آیا بواسطه خدمات است یا فضیلت است ؟ یا تایلات شخصی وزیر است ؟ که هده معینی را به میل خودش را از این صد ده یا صد پانزده در نظر بگیرد و این صد پنج را معین کند اینجا بنده عقیده دارم که در این ماده آقای مخبر توضیح بدهند مقصود چیست و بپه نحو صد پنج منتظرین خدمت را معلوم خواهند کرد زیرا عبارت این ماده وافی به مراد نیست اگر یک راه دیگری در این قانون هست بفرمایند و اگر در مجلس دیگری پیش بینی شده آنرا هم بفرمایند که بنده قانع شده و پیشنهاد خود را مسترد دارم

لکن بعد از این ممکن است اگر این ماده باین حال بگذرد بواسطه این بی ترتیبی یک هده بیکار شده و ظلم فاحشی به مستخدمین ادارات شود زیرا به مقتضیات وقت و انحلال بعضی ادارات یک اشخاصی بیکار میشوند که از میان آنها وزیر وقت اشخاص نالایق را انتخاب می کند و بقیه بی کار می مانند و به چه وجه لیاقت و قابلیت را در نظر نمی گیرند

مخبر - چون تمام آنها در وزارتخانه ها کار کرده اند البته همه لایق بوده اند که آنها را پذیرفته اند و نمی شود اینرا هم گفت که پنجاه نفر صد نفر بیکار می شوند بنام آنها پول داد و همه را نگاه داشت چرا ؟ برای اینکه یک وقت ممکن است وجود

آنها لازم شود و ممکن است تا مدتی هم وجودشان لازم بشود و آتیه را که باید وزیر از منتظرین خدمت قبول کند لایق مثل ابتدای ورود در اداره رعایت مراتب لیاقت آنها می شود هر کدام اسبق و الباق هستند آنها را با رعایت لیاقت می پذیرد و علاوه بر این سابقه خوب و حسن خدمت هم ملحوظ خواهد شد

رئیس - آقاییان که اصلاح آقای حاج شیخ اسدالله را قابل توجه میدانند قیام فرمایند - هده قلبی قیام نمودند

رئیس - ردهد پیشنهاد آقای داور قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

حدا کثر منتظرین خدمت هر وزارت خانه از صدی پنج هده کلیه مستخدمین آن نباید تجاوز نماید مگر اینکه هده به علت و انحلال بعضی ادارات یا مقتضیات وقت که در قانون نوشته شده است یک هده زیادی از یک اداره بیکار شوند آنوقت مطابق این قانون اداره می تواند صدی پنج از آن اشخاص را باسم منتظر خدمت نگاه دارد و باقی آنها را نه حقوق بدهد و نه منتظر خدمت محسوب دارد حالا اگر یک اداره منحل شد و مستخدمین این اداره صد ده یا صد پانزده بیکار شدند آن وقت این صد پنج که اداره می خواهد قبول کند باید بپه ترتیب آن ها را قبول کند آیا بواسطه خدمات است یا فضیلت است ؟ یا تایلات شخصی وزیر است ؟ که هده معینی را به میل خودش را از این صد ده یا صد پانزده در نظر بگیرد و این صد پنج را معین کند اینجا بنده عقیده دارم که در این ماده آقای مخبر توضیح بدهند مقصود چیست و بپه نحو صد پنج منتظرین خدمت را معلوم خواهند کرد زیرا عبارت این ماده وافی به مراد نیست اگر یک راه دیگری در این قانون هست بفرمایند و اگر در مجلس دیگری پیش بینی شده آنرا هم بفرمایند که بنده قانع شده و پیشنهاد خود را مسترد دارم

لکن بعد از این ممکن است اگر این ماده باین حال بگذرد بواسطه این بی ترتیبی یک هده بیکار شده و ظلم فاحشی به مستخدمین ادارات شود زیرا به مقتضیات وقت و انحلال بعضی ادارات یک اشخاصی بیکار میشوند که از میان آنها وزیر وقت اشخاص نالایق را انتخاب می کند و بقیه بی کار می مانند و به چه وجه لیاقت و قابلیت را در نظر نمی گیرند

مخبر - چون تمام آنها در وزارتخانه ها کار کرده اند البته همه لایق بوده اند که آنها را پذیرفته اند و نمی شود اینرا هم گفت که پنجاه نفر صد نفر بیکار می شوند بنام آنها پول داد و همه را نگاه داشت چرا ؟ برای اینکه یک وقت ممکن است وجود

است بگویند ده ساعت کار کن و اگر بنا باشد نظامنامه ساعات کار بدخواهد و بیبیل شخص وزیر نوشته شود یک ظلم فاحشی است و مراجع بایام تعطیل هم مجالس شورای ملی باید تکلیف معین کنند که مثلاً روز جمعه و ایام عید و عزائی که راجع به مذبح است و سایر تعطیلات رسمی باید بر طبق نظامنامه تعطیل باشد زیرا ممکن است رئیس یک اداره ارویائی باشد و از ایام تعطیل جزا و عید ما مطلع نباشد و از این جهت قطعاً بی ترتیب نوشته خواهد شد - اگر یک موافق دیگری پیدا شد بنده سایر عرایض خود را عرض خواهم کرد

رئیس - رای می گیریم بماده بیست و نهم آقاییان که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سی ام قرائت می شود

باین نهج خوانده شد

ماده ۳۰ - مستخدمین دولت سالی یک ماه حق مرخصی با استفاده از حقوق وارند

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بنده موافقم

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - در مرخصی اجزاء که در این ماده نوشته شده بعضی ترتیبات هست که بعقیده بنده خیلی مهم است و آن تعیین مدت مرخصی است در هر سال یک ماه و ممکن است مستخدمین چند سال را روی هم جمع کنند و یک مرتبه مرخصی بخواهند

(جمعی اظهار نمودند در نظامنامه معین می شود)

مخبر - عرض کردم در نظامنامه نوشته می شود

اقبال السلطان - ولی این مطلب مهمی است و می توان آن را در نظامنامه تغییر داد و اجزاء مطابق متدرجات نظامنامه می توانند شش ماه یکسال مرخصی بخواهند وقتی بنا شود مدت مرخصی زیاد باشد مجبور می شوند بجای آن کسی که در این مدت می رود اشخاص علیحده بگیرند ولی اگر مدت از سه ماه تجاوز نکند کار او را انجام رقتای او خواهند کرد که کار او را انجام دهند و محتاج به اشخاص دیگر نشوند پس عقیده بنده این است که در این ماده باید اضافه شود مدت مرخصی از سه ماه تجاوز نخواهد کرد

مخبر - اینکه آقای اقبال السلطان فرمودند بنده هم گمان می کنم مرخصی از سه ماه تجاوز نکند مثلاً مستخدم دو سال را می تواند جمع کند و در یک سال دومه را مرخصی بگیرد سه سال را می تواند جمع کند و در یک سال

سه ماه اجازه بگیرد ولی در ۴ سال و پنج سال بیلا زیاد از سه ماه مرخصی نخواهد داشت

در این صورت زیاد از ۳ ماه باو اجازه داده نخواهد شد حالا اگر می خواهید این مسئله در قانون ذکر شود ضرر ندارد ولی این طور مسائل راجع به نظام نامه است و نظام نامه ترتیباتی دارد و البته تاریخش باید معین باشد و حقوق اعضائی که کسر می شود یا طور دیگر می شود تمام در نظام نامه قید خواهد شد (اظهار کردند مذاکرات کافی است)

رئیس - رای می گیریم آقاییان که ماده سی ام را تصویب می کنند قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نهم ساعت مجدداً تشکیل و ماده ۳۱ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۱ - برای رسیدگی به تقصیرات اداری و تعیین مجازات مستخدمین مجلس تحقیق و معاکه اداری در تحت نظر وزیر یا مامان او تشکیل می شود مجلس مزبور مرکب خواهد بود از سه نفر از اشخاص وزارت متبوعه مستخدم مظنون اعم از متصدیان شغل و یا منتظرین خدمت مشروط بر اینکه رتبه آنها کمتر از رتبه مظنون نباشد و در صورت عدم کفایت هده اشخاص لازمه در خود وزارتخانه تا رعایت شرط مزبور فوق از اشخاص وزارتخانه دیگر تکمیل می گردد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - این مجلس در واقع یک محکمه اداری است و اختیار تعیین اشخاص محکمه را کلیه نظر وزیر و اگذار کردن خوب نیست و این جا اختیار می دهد بوزیر که برای رسیدگی و معاکه مظنونین و اعضای وزارتخانه هر کس را خواست و میل داشت برقرار کند منتهی این است که رتبه او مادیون رتبه مقصر نباشد ولی بعقیده بنده ممکن است وزیر از این اختیار سوسه استفاده کند و هر کس را خواست بپیل خود نگاه داشته و هر کس را خواست بیرون کند و اگر هر آینه در این قانون اشخاص معاکه را معین می کرد که مرکب از سه نفر عضو ثابت و اختیار آنها با وزیر نباشد بهتر بود زیرا در موارد مختلفه ممکن است اشخاص مختلفی را موافق میل خودش وزیر انتخاب کند و بنده با این اختیار

تأمی که این قانون به وزیر داده موافق نیستم

مخبر - اگر در این جا معین شده برای هر وزارت خانه که اشخاص محکمه چه اشخاصی هستند چیز خوبی نیست و باید اشخاص را وزیر معین کند مسلماً تصور می کنید وزیر با اجزاء عرض دارد خیر اینطور تصور نفرمائید باید ناچار این محکمه را وزیر یا معاون او تشکیل بدهد و ما نمی توانیم از اجلا اشخاص محکمه را تعیین کنیم برای این که متلا در مالیه رئیس فلان دائره یا فلان اداره را برای این کار تعیین کند در سایر وزارت خانه ها طور دیگر و اشخاص دیگر باید باشند پس البته تعیین اشخاص باید با نظر وزیر یا معاون او باشد

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بنده موافقم

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

اقبال السلطان - البته اجزاء محکمه اداری باید از اشخاص همان وزارت خانه باشند که بتوانند رسیدگی بکار آن شخص بکنند و ببینند تقصیر او چه بوده و چه کار کرده است

ولی در اینکه نوشته از مادود نباشند بنده چیز غریبی بنظر می آید مثلاً اگر یک ثبات تقصیر کرد آمانشی سوم و منشی دوم می توانند او را حاضر کنند و بکار او رسیدگی کنند ؟

عقیده بنده این است اگر کمیسیون قبول کند برای تشکیل آن محکمه رؤسای ادارات را معین کنند مثلاً دو یا سه نفر هر قدر مقتضی بداند از اعضای رتبه از قبیل رئیس کل مالیه رئیس اداره مالیات و غیره را معین کند برای این که طرف اطمینان باشد

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - اولاً در خصوص تعیین این اشخاص همانطور که آقای مخبر هم اظهار کردند البته باید تعیین اشخاص محکمه با شخص وزیر باشد و او باید آنها را معین کند اما در موضوع اینکه چرا رتبه اشخاص معاکه باید از رتبه مظنون بالاتر باشد بنده عرض می کنم ممکن است شخصی که در اداره رتبه اش پائین تر است اطلاعاتی نداشته باشد و آن هائی که بالاترند زمینه دستشان باشد آنوقت از همانها بفرمائید آقای اقبال السلطان متلا منشی دوم را تعیین کند برای ثبات و لزومی ندارد که معول کنیم بدو نفر از رؤسای اولیه و اشخاصی را که از حیث رتبه از او بالاترند تعیین می کنند که باین

کار رسیدگی نمایند و هم چنین چنانچه باده بعد مراجعه کنید خواهید دید که یک تجدیدنظری هم برای او گذارده شده است که شخص مظنون یک اظهاراتی داشته باشد و تجدید نظر بخواهد دو نفر هم بر اعضاء محکمه می افزایند که پنج نفر بشوند آنها تجدید نظر کنند و این حکم ثانوی در واقع حتی و قابل اجراء است و برای تصویب اداری بیشتر از این دور مرحله و این ترتیبی که کمیسیون معین کرده گمان نمی کنم خوب باشد چیز دیگری قید شود و امروز هم نمی توان اشخاص معینی را در این قانون بنویسیم زیرا ممکن است امروز در مرکز این اتفاق بیفتد بادر ولایات در هریک از ادارات که بخواهند یک محکمه تشکیل بدهند باینجا اجزاء همان اداره یا در صورتی که همه کافی در آن اداره موجود نباشد از اداره دیگر در آن محاکمه حضور داشته باشند مثلا اگر مستخدم مظنون مستخدم وزارت مالیه بود از اجزاء همان اداره یا ادارات دیگر از قبیل مالیات مستقیم و غیر مستقیم و سایر ادارات باید در آن محاکمه حضور داشته باشند و برای هریک از اجزاء لازم نیست رسوای ادارات رسیدگی کنند و حالا اگر بخواهیم رسوای در قانون تعیین کنیم گمان می کنم اسباب اشکال خواهد شد .

معاون وزارت مالیه - این ترتیبی که در ماده ۳۱ برای تعیین قضات پیشنهاد شده بهترین ترتیب است زیرا تا اندازه معلوم شده است که این ترتیب صلاح است که قضاتی که قبلا سمت آنها معلوم نیست برای قضاوت و رسیدگی بامری انتخاب شوند مثلا امروز اگر راجع به اسباب اخلاقی باشد مسلماً وزارتخانه قضاتی انتخاب خواهد کرد که آنها در امر محاسبه اطلاع کامل داشته باشند و اگر راجع به قضیه دیگری باشد اشخاصی را انتخاب خواهند کرد که در آن قضیه مهارت و اطلاعی مخصوص در آن داشته و هر گاه قضات را ابتدای سال انتخاب شوند و معین باشد که چه اشخاصی رسیدگی بامور خواهند کرد می توانست حدث زد که آن محاکمه و حکم صادره آنقدر صحیح نباشد تا اینکه قبل از تصویب شخص مستخدم نداند آنکسی که درباره او حکم خواهد کرد چه کسی خواهد بود .

رئیس - آقای دست غیب (اجازه) دست غیب - فرمایش آقای معاون رفع این ایراد را نکرد برای اینکه مکرر بنده عرض کرده ام که باید قانون حتی المقدور اطراف کار را ملاحظه کند که اعمال فرض نشود بعد قانون وضع کند حالا فرد نادری پیدا شود مثل اینکه آقای مساوات فرمودند قرآن هم که کتاب و قانون آسمانی است اگر بدست مرض بیفتد سوء عمل خواهد کرد حالا آن یک موضوع سوئی است ؟ و کم اتفاق می افتد و قادر هست لنا در کالمدم ولی قانون گذار باید درست ملتفت باشد که در این قانون که می خواهد وضع کند هر جانی را که مرض می خواهد اعمال غرض کند جلوه گهری کند و این فرمایش آقای معاون هیچ دفاع نبود زیرا اشکال این است که ممکن است وزیر اعمال فرض کند و آن سه نفر را از حمایت خودش که با آن مظنون دشمن هستند معین کند و تصویب برای او ثابت کنند و اینهم گذشته از اینکه امکان عقلی دارد اگر یک قدری آقایان در اخلاق عمومی و دعایات مطالعه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود که این مسئله بیشتر احتمال می رود و باید واضح قانون طوری قانون وضع کند که اعمال فرض در هیچ موردی نشود چون تعیین این ۳ نفر به اختیار وزیر یا معاون است ممکن است متهم در اول هر سال سه نفر در بین خود انتخاب کنند که محکمه ابتدائی باشد و این ترتیب در سایر مالک هم سابقه دارد و نباید وزیر را مداخله داد و بنده مداخله وزیر را خطرناک می بینم و ماده بعد هم که استیناف مانند است تأمین حالت خطر را نمی کنند

رئیس - رأی می گیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سیدفاضل آقایان - که اصلاح ایشان را قابل توجه می دانند قیام نمایند (کسی قیام ننمود) رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای دست غیب (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم عده پنج نفر ۳ نفر را با اختیار خود مظنون دو نفر با اختیار وزیر و اگذار نمایند مساوات - بنده تعجب می کنم این سوالات مکرر شده و جواب هم داده شده باری تکرار می فرمایند بنده اصلا منکر وزیرمغرض هستم آقایان می خواهند گوشت را بدست گیر به بدهند بگویند دزدی نکن این مجال است باید وزیر طرف اطمینان باشد اگر وزیر مغرض شد باید او را زمین زد اگر وزیر این سه نفر را معین نکند می بین بکنند وزیر می گویند که نتواند تعیین کند اعضاء محکمه را آن وزیر بدرد نمی خورد و اگر بگوئیم رؤسا از بین خود سه نفر انتخاب کنند این عملی نیست برای اینکه یک نفر تحصیلدار یا مأمور دولتی که دزدی کرده یا اختلاف حساب دارد نمی شود بگوئیم تمام رؤسا بیابند جمع شوند و از بین خود یک هیئت حاکمه معین کنند و این اسباب زحمت است و عملی نیست مغرب - فرمایش آقای معاون رابنده هم می توانم قبول کنم زیرا پنج نفر در مرکز بهتر است برای اینکه لامعالم مرکز با ولایات فرقی داشته باشد لذا بنده پنج نفر را قبول می کنم رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۱ با تبدیل ۳ نفر به پنج نفر آقا سیدفاضل - بنده مخالفم و پیشنهاد دارم (پیشنهاد آقای آقا سید فاضل بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که سه نفر اعضاء محکمه بدایت را خود رؤسا از بین خودشان بدون مداخله وزیر انتخاب نمایند رئیس - (خطاب با آقای سید فاضل فرمائید بنده پیشنهاد میکنم که سه نفر اعضاء محکمه بدایت را خود رؤسا از بین خودشان بدون مداخله وزیر انتخاب نمایند) رئیس - (خطاب با آقای سید فاضل فرمائید بنده پیشنهاد میکنم که سه نفر اعضاء محکمه بدایت را خود رؤسا از بین خودشان بدون مداخله وزیر انتخاب نمایند) رئیس - (خطاب با آقای سید فاضل فرمائید بنده پیشنهاد میکنم که سه نفر اعضاء محکمه بدایت را خود رؤسا از بین خودشان بدون مداخله وزیر انتخاب نمایند)

رئیس - مجلس مضاف بر کلمه تعقیق و محاکمه است مغرب - نقطه محاکمه معطوف است به تعقیق رئیس - رأی می گیریم به تبدیل ۳ نفر به پنج نفر (یکی از نمایندگان - بخود ماده رای می گیریم رئیس - بخود ماده نمی شود رای گرفت پیشنهاد دولت پنج نفر است و اگر می خواهید سه نفر باشد پیشنهاد کنید تا رای گرفته شود مغرب - چون رؤسای ادارات ایالات و ولایات هم در مرکز محاکمه خواهند شد و انضباط دائمی از خدمت هم در این جا محاکمه خواهد شد و در هر کجا که محاکمه است و باید پنج نفر باشد و اگر در یک وزارتخانه هم پنج نفر رئیس اداره نباشد ممکن است از وزارتخانه های دیگری بخواهند رئیس - آقای مغرب پیشنهاد دولت را قبول می کنند مغرب - بلی محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد میکنم ۴ نفر باشد (پیشنهاد ایشان نیز باین عبارت قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که سه نفر اعضاء محکمه باشد رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم اعضاء محکمه ابتدائی در کلیه امور سه نفر است و در محکمه استیناف پنج نفر است محاکمه اداری هم فرضاً که به قوه محاکم دیگر باشد سه نفر باید باشد و ما تا بحال یک ترتیبی که در محاکم قبول کرده ایم این است که حضور آن سه نفر باشد حالا نمی دانم محکمه اداری پنج نفر باشد چه صورتی خواهد داشت در صورتیکه محاکم عدلیه راجع برسدی دعوای حقوقی و جزائی است و محکمه اداری راجع به امور ادارست از طرف دیگر هر چه فکر می کنم نمی دانم دلیلش چه است که مرکز باید از همه حیث اختصاصی داشته باشد

رئیس - مجلس مضاف بر کلمه تعقیق و محاکمه است مغرب - نقطه محاکمه معطوف است به تعقیق رئیس - رأی می گیریم به تبدیل ۳ نفر به پنج نفر (یکی از نمایندگان - بخود ماده رای می گیریم رئیس - بخود ماده نمی شود رای گرفت پیشنهاد دولت پنج نفر است و اگر می خواهید سه نفر باشد پیشنهاد کنید تا رای گرفته شود مغرب - چون رؤسای ادارات ایالات و ولایات هم در مرکز محاکمه خواهند شد و انضباط دائمی از خدمت هم در این جا محاکمه خواهد شد و در هر کجا که محاکمه است و باید پنج نفر باشد و اگر در یک وزارتخانه هم پنج نفر رئیس اداره نباشد ممکن است از وزارتخانه های دیگری بخواهند رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه) اقبال السلطان - در ماده قبل خواستم که قضات محکمه اداری معین شوند و معلوم شود که چه اشخاصی خواهند بود ممکن نشد ولی در این ماده که در واقع محکمه استینافی است بنده عقیده دارم که آن دو نفر اضافی را در توشان رامعین کنند که دارای چه رتبه باشند که بتوانند بمحاکمه استینافی شورای دولتی و دو نفر از اعضاء دیوان محاسبات که اینها در اول سال معین میشوند و در تمام سال تجدید نظر در تمام محاکمه ها بنمایند آقای مساوات میفرمایند بنایستی بدولت سوسطن داشت ولی از طرف دیگر اگر این دقت مانع شود پس خوب است اصلا هیچ قانون نوشته نشود قانون برای این نوشته میشود که جلوگیری کند از بعضی ترتیباتی که ممکن است پیش بیاید و اگر بنا شود وزیر بیل خود پنج نفر انتخاب کند ممکن است نسبت بیک نفر مستخدم اعمال فرض کند و در یک موردی نسبت به دیگری اغماض کند باین جهت بنده ایمن ترتیب را صلاح نمی دانم

رئیس - آقای رفته الدوله (اجازه) رفته الدوله - مخالفم رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه) حاج شیخ اسدالله - مخالفم رئیس - آقای سالار معظم (اجازه) سالار معظم - مخالفم رئیس - آقای رفته الدوله (اجازه) رفته الدوله - بنده همت و حکمت این را نفهمیدم که چرا کمیسیون استخدام برای محکوم علیه در فقره سوم از ماده ۳۸ حق استیناف نداده است اول اظهار است دوم هم توییح است ولی فقره سوم که کسر حقوق است چرا در این فقره حق استیناف نداده است

رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۸ از ماده ۳۲ حذف شود رئیس - پیشنهاد میکنم از (در صورت الی ماده حذف شود) رئیس - پیشنهاد می کنید قسمت اول حذف شود

رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۸ از ماده ۳۲ حذف شود رئیس - پیشنهاد میکنم از (در صورت الی ماده حذف شود) رئیس - پیشنهاد می کنید قسمت اول حذف شود

رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۸ از ماده ۳۲ حذف شود رئیس - پیشنهاد میکنم از (در صورت الی ماده حذف شود) رئیس - پیشنهاد می کنید قسمت اول حذف شود

رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۸ از ماده ۳۲ حذف شود رئیس - پیشنهاد میکنم از (در صورت الی ماده حذف شود) رئیس - پیشنهاد می کنید قسمت اول حذف شود

رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۸ از ماده ۳۲ حذف شود رئیس - پیشنهاد میکنم از (در صورت الی ماده حذف شود) رئیس - پیشنهاد می کنید قسمت اول حذف شود

رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۸ از ماده ۳۲ حذف شود رئیس - پیشنهاد میکنم از (در صورت الی ماده حذف شود) رئیس - پیشنهاد می کنید قسمت اول حذف شود

رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۸ از ماده ۳۲ حذف شود رئیس - پیشنهاد میکنم از (در صورت الی ماده حذف شود) رئیس - پیشنهاد می کنید قسمت اول حذف شود

رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۸ از ماده ۳۲ حذف شود رئیس - پیشنهاد میکنم از (در صورت الی ماده حذف شود) رئیس - پیشنهاد می کنید قسمت اول حذف شود

رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۸ از ماده ۳۲ حذف شود رئیس - پیشنهاد میکنم از (در صورت الی ماده حذف شود) رئیس - پیشنهاد می کنید قسمت اول حذف شود

تجدید نظر را داده است بهمان مستخدم وقتی مستخدم طرف دهوی واقع میشود دو صورت دارد یکی اینکه ممکن است طرف دهوی واقع بشود نسبت بکارهای اداری یکی هم ممکن است طرف دهوی واقع بشود نسبت بامور مالی که مالیات از من زیاد گرفته یا اینکه یکی شکایت کند بوزارت داخله که حکومت فلان جا مرا جریمه کرده بدون جهت توقیف کرده در این جا باید وزارت خانه رسیدگی کند بتظلم این شخص اگر آقایان اجازه بدهند که مرجع اینگونه تظلمات هدلیه باشد و این مطلب را تصدیق بفرمایند یک هرج ومرجی در ادارات پیدا میشود و همیشه حکام و مامورین مالیه با رؤسای هدلیه ولایات باید همیشه بمرهم بزنند پس نسبت به تصصیرات اداری باید در اداره معاکمه بشود آن وقت اگر معاکمه جزائی لازم شد البته معاکمه جزا ترتیبات معین خواهد داشت والا اگر یک نفر برود در اداره و نسبت به تجاوزاتی که از طرف یک مامور در حق او شده شکایت کند در آن جا مطابق این قانون باید رسیدگی شود و این جا در صورت معاکمه مستخدم حق تجدید نظر و استیناف با داده میشود ولی اگر هر آینه معاکمه یک شخص خارجی باشد حق تجدید نظر باو داده نمی شود فرض بنده از این پیشنهاد این بود که باید تجدید نظر و معاکمه استینافی را به هر کس می خواهد باشد بدهند ولو مستخدم یا کس دیگر باشد

معاون وزارت عدلیه - در ماده

سی و هفت تکلیف مردم را معین کرده اگر بر اثر تصصیرات اداری مستخدم معلوم شود که خسارت مالی شخصی وارد شده این معاکمه صلاحیت رسیدگی ندارد و با معاکمه اختصاصی است که بعد از تشکیل شورای دولتی تشکیل خواهد شد تا موقعی که قانون آن نگذشته است با معاکمه عمومی یعنی عدلیه خواهد بود و هم چنین در ماده دیگر هم راجع به جنایات از قبیل توقیف زجر و سایر تصصیرات سمت معاکمه اداری مقصر را حاضر می کند ولی معاکمه اورد در مواقع لازمه با معاکمه معموله خواهد بود در این صورت هیچ اشکالی وارد نیست که در معاکمه اداری نسبت تعقیق افراد یک تجاوزاتی حاصل شود علاوه بر اینکه در ماده ۲۲ می گوید که معاکمه علیه حق خواهد داشت که بعد از ابلاغ حکم در ظرف دو هفته تقاضای تجدید نظر بکند و تصصیرات خارج از امور اداری که تضررات مالی و غیره باشد در معاکمه معمولی رسیدگی میشود

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد
پیشنهاد آقای مدرس فرائت میشود (بشرح ذیل فرائت شد)
پیشنهاد می کنم آخر ماده ۲۲ چنین نوشته شود . دونفر که مرتبه آن ها فوق مراتب اعضاء معاکمه سابق باشد الی آخر

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - چون این معاکمه تجدید نظر در حکم معاکمه سابق میکنند این است که بنده عقیده دارم این دونفر که علاوه میشوند مرتبه های فوق مرتبه سایرین باشد تا قدری محکم تر باشد اگر آقای معبر قبول میفرمایند بفرمایند والا مستنارند

معاون وزارت عدلیه - این مسئله ممکن است بکندری اسباب اشکال شود برای اینکه شرط اعضاء معاکمه این است که لااقل باید هم درجه یا مقصراز و گاهی اتفاق می افتد که شخص مقصراز اعضاء عالی رتبه است و ممکن نیست رتبه دونفری که اضافه می شود ما فوق درجه اشخاصی باشد که در معاکمه بدوی بوده اند

مدرس - این نادر است

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای مدرس را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

(پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم

قلمی فرائت شد)

بنده ماده ۲۲ را بطور ذیل پیشنهاد می کنم از عبارات در این صورت هیشک دیگر از رؤسا برای تجدید نظر انتخاب و حکم آنها حتمی الاجرا خواهد بود

ابراهیم قلمی

رئیس - خطاب به آقای میرزا ابراهیم قلمی توضیح بدهید

آقا میرزا ابراهیم قلمی - بنده این تجدید نظر را خوب نمی دانم زیرا معاکمه بدایت وقتی سه نفری رأی داده باشند در معاکمه استینافی هم اگر دونفر دیگر برای تجدید نظر اضافه شوند باز آن ها در اکثریت می باشند باین جهت پیشنهاد کردم که به هیشک دیگری رجوع شود چنانچه در عدلیه هم اعضاء معاکمه استیناف غیر از اعضاء معاکمه ابتدائی است

معاون وزارت عدلیه - این جا

هم باز یک قدری اشتباه شده است این معاکمه تجدید نظر می کند استیناف نیست و وقتی که بنابه تجدید نظر شد تجدید نظر در همان معاکمه بعمل می آید مخصوصا در مسائل جزائی تجدید نظر در خود آن معاکمه بعمل می آید و همان اشکالی که در پیشنهاد آقای مدرس است در این جا هم وارد خواهد بود شاید در ولایات چند نفری که هم رتبه

باشخص معاکمه باشند پیدا نهودولی ممکن است اینطور باشد که دونفر از اعضاء قدیم و سه نفر از اعضاء جدید انتخاب شوند

میرزا ابراهیم قلمی - اینطور قبول می کنم .

رئیس - کمیسیون چه میگوید؟

مخبر - عیبی ندارد

رئیس - بطور پیشنهاد می کنید

مخبر - معاکمه علیه حق دارد از تاریخ ابلاغ حکم الی دو هفته از مجلس تحقیق و معاکمه اداری کتباً تقاضای تجدید نظر کند در این صورت باز عاید ماده ۲۱ دو نفر از اعضاء سابق معاکمه با سه نفر اضافه تجدید نمایند و حکم این معاکمه حتمی الاجرا خواهد بود

رئیس - چون بعد از این ماده باید جلسه ختم شود ممکن است برای چهارشنبه پیشنهاد کنند

(گفته شد صحیح است)

رئیس - اعضاء منتظره کمیسیون ها

فرائت می شود با دداشت نمایندگان

کمیسیون قوانین مالیه - ملک آرائی

رفت الدوله - امیر ناصر - مدرس - حاج

میرزا عبدالوهاب - ناظم دفتر - محمد

ولی میرزا

کمیسیون تجدید نظر در قانون

انتخابات - دولت آبادی - حائری زاده

کمیسیون فواید عامه - محمد هاشم میرزا

آقا سید یعقوب - آقا سید محمد تقی

طباطبائی - سردار مخم - امین التجار -

رئیس التجار - کازرائی - مستشار السلطنه

رئیس - آقای حاج میرزا عبد - الوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده

می خواستم عرض کنم لایحه نمره ۲۶۰۱

دولت را که راجع بتقاضای حقوق تقاضای

برای بعضی از اعضاء وزارت جنگ است

چون مدتی است کمیسیون راپورت آن را

تقدیم کرده تقاضا می کنم جزو

دستور شود

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - کمیسیون معارف در

دوره اولی که بنده عضویت داشتم فقط یک

قانون شورای عالی معارف گذراند که

هنوز نمی دانم تکلیفش بکجا رسیده و در

این مدت هم هنوز از طرف دولت قانونی

بآنجا رجوع شده و در این دوره هم بنده

را انتخاب کرده اند استعفا می دهم زیرا

کمیسیونی که کار نداشته باشد چه فایده

دارد و بنده در کمیسیونی که کار ندارد حاضر

نیستم عضویت داشته باشم

رئیس - جلسه آتیه روز چهارشنبه

دو ساعت بغروب دستور آن بقیه قانون

استخدام و تقاضای آقای حاج میرزا عبدالوهاب

راجع بعقوب اعضاء وزارت جنگ (مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک جلسه ۱۶۴

صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه هائز دهم

عقرب ۱۳۰۱

مطابق هیجدهم ربیع اول ۱۳۰۱

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب ریاست

آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم سبزه دم عقرب را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی

(اجازه) **شیخ الاسلام اصفهانی -**

بنده را در صورت مجلس جزو غائبین اجازه نوشته اند

(گفته شد صحیح است)

حال آنکه اجازه بنده روز ششم ربیع الاول منقضی می شد روز بیست و هفتم

یک تلگرافی بمقام محترم ریاست عرضر استدعای اجازه ده روز دیگر مرخصی

خواستم جواب آن تلگراف به بنده نرسید اگر جواب به بنده میرسید و من می دانستم

اجازه داده نمی شود فوری می آمدم که روز ششم در مرکز باشم جواب که بنده

نرسید بنده هم و هم حرکت کردم پنجروز هم راه بودم روز یازدهم رسیدم

مقصود بنده هم موجب این ده روز نیست البته موجب به بنده نهد ولی فقط نظر

بنده این است که در صورت مجلس بنده را غائبی اجازه ننویسند گذشته از این

ها در جلسه یریشب بنده در مرکز حاضر بودم از درب مجلس هم گذشتم و مجلس

هم منعقد بود ولی بواسطه کسالتی که داشتم از شرفیابی معذور بودم

رئیس - تلگراف شده است ولی اگر دیر رسیده است علت این بوده چون

تلگرافی که اول مضاربه کرده بودید خود کمیسیون خیال کرده بود بدون مراجعه

مجلس می تواند جواب مثبت یا منفی بدهد بکمیسیون اطلاع داده شده که بایستی

بشود مجلس مراجعه بشود بعد از مراجعه به مجلس تقریباً یک هفته طول کشید تا جواب داده شده در حال جواب

جناب عالی داده شده است **شیخ الاسلام - اجازه**

می فرمایید راجع به موجب هم عرض کردم **رئیس - آن مسئله علیه است**